

سالمندی با سرعت بالا

جامعه پدیا ایران هنوز در نقطه‌ای قرار نگرفته که بتوان آن را یک جامعه سالمند دانست، اما فاصله چندانی با آن ندارد. جمعیت بالای ۶۰ سال کشور حالا به نزدیک ۱۱ میلیون نفر رسیده؛ جمعیتی که حدود ۱۳ درصد کل ایرانیان را تشکیل می‌دهد و به گفته رئیس سازمان بهزیستی، کشور را در مسیر ورود به دوره سالمندی قرار داده است. آنچه این روند را جدی‌تر می‌کند، نه فقط تعداد سالمندان، بلکه سرعتی است که جمعیت ایران در حال پیرشدن دارد.

سیدجواد حسینی، رئیس سازمان بهزیستی کشور، می‌گوید ایران از نظر سرعت رشد سالمندی، در میان ۵ کشور نخست جهان قرار دارد. براساس پیش‌بینی‌های جمعیتی، اگر روند فعلی ادامه پیدا کند، تا سال ۱۴۳۰ بین ۳۱ تا ۳۳ درصد جمعیت کشور سالمند خواهند بود؛ یعنی در حدود ۱۳ دهه آینده از هر ۱۳ ایرانی، تقریباً یک نفر بالای ۶۰ سال خواهد داشت.

این تغییر جمعیتی در حالی اتفاق می‌افتد که امروز هنوز بخش بزرگی از جمعیت کشور در گروه‌های سنی جوان و میانسال قرار دارند. با این حال، سرعت رشد جمعیت سالمند بسیار بیشتر از رشد کل جمعیت است. طبق اعلام رئیس سازمان بهزیستی، رشد جمعیت عمومی کشور حدود ۱.۲۴ درصد است، اما جمعیت سالمندان بیش از ۴ درصد رشد می‌کند؛ اختلافی که نشان می‌دهد سرعت سالمندشدن جمعیت چند برابر سرعت افزایش کل جمعیت است. برای درک بهتر این تغییر، کافی است نگاهی به وضعیت برخی کشورهای سالمند بیندازیم؛ مثلاً در ژاپن، بیش از ۲۸ درصد جمعیت سالمند هستند.

در تقسیم‌بندی‌های جمعیت‌شناختی نیز زمانی که سهم سالمندان از جمعیت یک کشور از ۲۷ درصد عبور کند، آن جامعه در گروه «شدیدا سالم‌خیز» قرار می‌گیرد. ایران نیز براساس پیش‌بینی‌های موجود، در سال‌های آینده می‌تواند به این محدوده نزدیک شود. اما سالمندی فقط تغییر یک عدد در جدول‌های جمعیتی نیست. افزایش تعداد سالمندان به معنای تغییر نیازهای جامعه در حوزه‌های مختلف از درمان و مراقبت گرفته تا اشتغال، خدمات اجتماعی، حمل‌ونقل، مسکن و حتی شکل زندگی خانوادگی است. به همین دلیل، هشدار درباره سالمندی جمعیت از نگاه مسئولان فقط یک هشدار آماری نیست و باید برای پیامدهای اجتماعی آن از سال‌ها قبل برنامه‌ریزی کرد.

ایران صاحب «زبان اشاره ایرانی» می‌شود

اصل و شرح

تلاش برای ساماندهی و استاندارد دس‌سازی زبان اشاره در ایران وارد مرحله تازه‌ای شده است؛ فرهنگستان زبان و ادب فارسی اعلام کرده از ظرفیت

و تجربه خود برای شکل‌گیری یک زبان اشاره ایرانی استفاده خواهد کرد. غلامعلی حدادعادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، با اشاره به همکاری این نهاد با مجامع ناشنوایان گفته: «آنچه در حوزه زبان خاص تجربه داشته باشیم در اختیار قرار می‌دهیم تا برای این زبان عام بتوانیم ارتباط را

عشق سال‌های پیری

روایت زندگی مشترک در دهه‌های هفتم و هشتم زندگی؛ وقتی سالمندی هم برای عاشقی دیر نیست

به پنهانه روز سالمند گفته در سال گذشته بیش از ۱۰ هزار ازدواج برای مردان بالای ۶۰ سال در کشور ثبت شده است؛ عددی که حدود ۲/۴ درصد کل ازدواج‌های ثبت‌شده را تشکیل می‌دهد. در میان این مردان حدود ۳ هزار و ۳۰۰ نفر در فاصله سنی ۶۰ تا ۶۴ سال قرار دارند، نزدیک به ۲ هزار و ۷۰۰ نفر بین ۶۵ تا ۶۹ سال و بیش از ۴ هزار نفر نیز ۷۰ سال و بالاتر هستند. اما وقتی پای زنان به میان می‌آید داستان آماري کاملاً متفاوت می‌شود. در همین سال، ۲ هزار و ۱۳۶ ازدواج برای زنان بالای ۶۰ سال ثبت شده؛ یعنی حدود نیم درصد کل ازدواج‌های کشور. به بیان ساده‌تر تعداد ازدواج‌های ثبت‌شده مردان بالای ۶۰ سال تقریباً ۵ برابر زنان در همین گروه سنی است.

فاطمه عسکری نیا | روزنامه‌نگار | فکرش را بکنید در سنی که خیلی‌ها خیال می‌کنند دیگر فصل عاشقی تمام شده، هنوز هستند کسانی که تصمیم می‌گیرند یک‌بار دیگر زندگی مشترک را شروع کنند؛ یکی بعد از سال‌ها تنهایی، یکی پس از فوت همسر و دیگری شاید بعد از یک جدایی طولانی. شناسنامه‌ها اما گاهی بیشتر از خاطرات آدم‌ها حرف می‌زنند. آمارهای سال ۱۴۰۴ ثبت احوال نشان می‌دهد ازدواج فقط قصه جوان‌ها نیست و در میان سالمندان هم هنوز کسانی هستند که برای ساختن یک زندگی تازه قدم جلو می‌گذارند. علیرضا رحیمی، معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان در گفت‌وگو با همشهری

جامعه امروز

تهران در صدر ازدواج‌های سالمندی

معاون امور جوانان وزارت ورزش و جوانان می‌گوید که پایتخت، هم در میان مردان و هم زنان سالمند بیشترین تعداد ازدواج را به خود اختصاص داده است. به گفته او بعد از تهران، خراسان رضوی و آذربایجان شرقی در میان استان‌هایی قرار دارند که تعداد بیشتری از ازدواج‌های سالمندی در آنها ثبت شده است. البته این رتبه‌بندی تا حد زیادی به جمعیت استان‌ها وابسته است و وقتی نسبت ازدواج سالمندان به کل ازدواج‌های هر استان محاسبه می‌شود، تصویر کمی تغییر می‌کند: «در میان زنان سالمند، سمنان، گیلان و مازندران بالاترین سهم ازدواج سالمندان از کل ازدواج‌های استان را دارند. در میان مردان نیز مازندران، سمنان و مرکزی در صدر قرار گرفته‌اند. مازندران در این میان یک عدد قابل توجه دارد. سال گذشته ۵۹۹ ازدواج برای مردان بالای ۶۰ سال این استان ثبت شد که ۳/۸ درصد کل ازدواج‌های ثبت‌شده در استان را شامل می‌شود.»

وقتی آمار ازدواج، قصه تنهایی را روایت می‌کند

شاید مهم‌تر از تعداد کسانی که سال گذشته ازدواج کرده‌اند، تعداد کسانی باشد که هنوز تنها هستند. رحیمی در این باره می‌گوید: «براساس آمار ارائه‌شده از وضعیت زناشویی جمعیت بالای ۶۰ سال، حدود ۸۸ درصد مردان سالمند همسر دارند اما این نسبت در زنان سالمند به حدود ۵۹ درصد می‌رسد. این فاصله، وقتی دلیل بی‌همسری را نگاه می‌کنیم، بیشتر خودش را نشان می‌دهد. حدود ۲۲/۹ درصد زنان بالای ۶۰ سال به دلیل فوت همسر بدون همسر هستند، در حالی که این رقم در مردان سالمند ۵/۸ درصد است؛ یعنی حدود یک میلیون و ۷۷۰ هزار زن سالمند در کشور به دلیل فوت همسر بدون همسر زندگی می‌کنند؛ در مقابل تعداد مردان سالمند در همین وضعیت حدود ۲۱۱ هزار نفر است.» در واقع، پشت عدد ازدواج‌های سالمندی یک مسئله اجتماعی بزرگ‌تر وجود دارد: تنهایی. زنان سالمند بسیار بیشتر از مردان هم‌سن خود تجربه زیست تنها را دارند و همین موضوع باعث می‌شود داستان ازدواج در سال‌های پیری برای زنان و مردان یکسان نباشد.



مردان بیشتری دوباره ازدواج می‌کنند؟

آمار ثبت‌شده پاسخ روشنی برای یک سؤال مهم ندارد: چند نفر از این سالمندان برای نخستین بار ازدواج کرده‌اند و چند نفر بعد از فوت یا طلاق همسرشان دوباره به زندگی مشترک برگشته‌اند؟ معاونت جوانان وزارت ورزش و جوانان اعلام کرده است که آمار دقیقی از این تفکیک در دسترس نیست و در صورتی که سابقه ازدواج یا وضعیت قبلی فرد در اسناد ثبتی ثبت شده باشد، سازمان ثبت احوال می‌تواند این آمار را استخراج کند؛ بنابراین نمی‌توان صرفاً از روی آمار ازدواج‌های بالای ۶۰ سال درباره «ازدواج اول» یا «ازدواج مجدد» سالمندان داوری کرد. آنچه فعلاً روشن است تعداد قابل توجه ازدواج‌هایی است که در سال گذشته میان افراد این گروه سنی ثبت شده است.

طلاق در سال‌های پیری

فصل دیگری از این ماجرا طلاق است. سال ۱۴۰۴ بیش از ۸ هزار و ۶۰۰ طلاق برای مردان بالای ۶۰ سال و بیش از ۳ هزار و ۱۰۰ طلاق برای زنان بالای ۶۰ سال ثبت شده است. این اعداد به ترتیب حدود ۴/۸ درصد و ۱/۸ درصد کل طلاق‌های ثبت‌شده کشور را تشکیل می‌دهد. رحیمی می‌گوید: «در میان مردان سالمند بیشترین طلاق‌ها در گروه سنی ۶۰ تا ۶۴ سال ثبت شده و پس از آن گروه ۷۰ سال به بالا قرار دارد. در میان زنان نیز همین گروه سنی ۶۰ تا ۶۴ سال سهم بیشتری از طلاق‌های ثبت‌شده سالمندی را به خود اختصاص داده است. این اعداد نشان می‌دهد زندگی مشترک برای همه سالمندان الزاماً به معنای ماندن در کنار هم تا پایان عمر نیست؛ حتی در سال‌هایی که جامعه معمولاً انتظار جدایی کمتری از زوج‌ها را دارد.

یک زندگی جدید، در سنی که کسی انتظارش را ندارد



شاید مهم‌ترین نکته این آمار‌ها این باشد که سالمندی الزاماً پایان انتخاب‌های عاطفی و اجتماعی آدم‌ها نیست. هنوز هزاران نفر در دهه ششم، هفتم و حتی هشتم زندگی تصمیم می‌گیرند ازدواج کنند، در حالی که هزاران نفر دیگر به‌ویژه زنان، سال‌های سالمندی را پس از فوت همسر بدون شریک زندگی سپری می‌کنند. آمار‌ها البته درباره دلیل این انتخاب‌ها چیزی نمی‌گوید؛ نمی‌گوید پشت هر ازدواج چه قصه‌ای بوده و پشت هر تنهایی چه خاطره‌ای. اما یک چیز را روشن می‌کند: عشق، همراهی و نیاز به داشتن یک همدم تاریخ انقضا ندارد، حتی اگر عدد شناسنامه از ۶۰، ۷۰ یا ۸۰ گذشته باشد.

گزارش



نمایی دیگر از جنایت غزه

گاهی دیدن یک فاجعه از نمای دور تر می‌تواند روایت آنچه را رخ داده است کامل کند؛ اتفاقی که در رابطه با غزه پس از انتشار تصاویر ماهواره‌ای و به‌روزرسانی‌شده در گوگل مپس (Google Maps)

قارچ خوری با احتمال مرگ

در مورد مصرف قارچ‌های جنگلی که در فصل پاییز و بهار طعم مرگ می‌دهند

مکت

از نوبر قارچ، بگذر

مجید حیدری، مربی باشگاه قارچ‌شناسی ایران از روش‌های شناسایی قارچ‌های قاتل به همشهری می‌گوید: «برای شناسایی اولیه قارچ‌ها، باید مجموعه‌ای از نشانه‌های ظاهری و در نهایت، ویژگی‌های دی‌ان‌ای آنها را کنار هم قرار داد؛ محل رویش، بستر، کلاهک، تپه یا منفذ، ساقه و پایه، تغییر رنگ، نقش هاگ و ترکیبات شیمیایی.»

حیدری تأکید می‌کند شناسایی گونه‌های قارچ، کاری علمی و آزمایشگاهی است که افراد غیرمتخصص نباید در صدد انجام آن به شیوه‌های تجربی و غیر رسمی بראیند. «مواردی بوده که افراد بومی محدوده‌های جنگلی و کوهستانی، در ارتباط با تشخیص قارچ‌های خوراکی و سمی دچار اشتباه‌های جبران‌ناپذیر شده‌اند. شاید بعضی افراد فکر کنند که آمار مرگ در مسمومیت ناشی از قارچ‌های سمی، انگشت‌شمار است. به این افراد باید متذکر شد آن بخش از آمار مسمومیت‌ها که به مرگ منتهی نشده هم به میزان بخش آمار مرگ، خطرناک است؛ چراکه عامل مسمومیت در آنها شاید کسی را از بین نبرده باشد ولی زمینه‌ساز بروز بیماری‌های سخت گوارشی شده است.»

توصیه آخر این مربی قارچ‌شناس، چنین است: «خوردن قارچ‌های عجیب و غریب، هدف شما از سفر به جنگل و کوه نیست. تماشای آنها فقط می‌تواند حاشیه جالب و هیجان‌انگیز سفرتان باشد؛ نه نقطه پایان سفر و حتی عمرتان.»



گزارش

سحر جعفریان عصر | روزنامه‌نگار | مقدار سموم قارچ که به خونشان راه یافته، بیش‌تر از ۷ میلی‌گرم بوده و تجویز زغال فعال شده و مایعات وریدی، پنی‌سیلین و آنتی‌اکسیدان‌ها مؤثر واقع نشد. علائم درد شکمی و تهوع که در ساعات و روز نخست بستری داشتند، به تدریج به نارسایی کبد و کلیه رسید و دست آخر، این مرگ بود که برای ۴ نفر از اعضای خانواده‌ای سمنانی اتفاق افتاد. پژشان، علت فوت آنها را مسمومیت با قارچ‌های سمی اعلام کردند. قارچ‌ها را یکی از اعضای همان خانواده چیده بود از حوالی آبشار پلکانی روستایشان در دهستان رضوان، بخش کالیپوش شهرستان

گردشگری و وعده قارچ‌های جذاب

در هوای پاییز نه فقط قارچ‌های خوراکی مانند صدفی، دکمهای و چتری که قارچ‌های جنگلی و کوهی هم حسابی رشد می‌کنند؛ قارچ‌هایی که میانشان گونه‌های سمی و وحشی کم نیست؛ گونه‌هایی با شکل و شمایل وسوسه‌انگیز ولی کشنده. این را علی جمشیدی، عکاس و قارچ‌شناس می‌گوید که تاکنون بیش از ۴۰ هزار فریم عکس از انواع قارچ‌ها در جنگل‌های شمالی، به‌ویژه جنگل کهنسال هیرکانی، برداشته است: «برتره قارچ‌ها رو دوست دارم. خیلی ساله که از شون عکاسی می‌کنم. برای همین تقریباً گونه‌های گوناگونشون رو می‌شناسم. ولی خب، حواسم هست که هوس گازدن کدوم قارچ رو داشته باشم. معمولاً هم به بسته جاذب شارکول یا زغال فعال به‌عنوان داروی اولیه رفع مسمومیت، مهران هست.» جمشیدی از برگزاری تورهای تخصصی قارچ‌شناسی نیز می‌گوید: «تعدادی از راهنماها و آژانس‌های گردشگری فقط دنبال سودن. به اسم جذاب و مشتری‌جذب‌کن می‌ذارن روی تورشون؛ مثلاً تور قارچ‌خوری در هیرکانی یا در جست‌وجوی گران‌ترین قارچ جهان. بعد به سری گردشگر رو که خبر از تنوع قارچا ندارن، می‌برن تادم مرگ. در صورتی که توری قارچ، جزو تورهای علمی و آموزشی‌ن که باید با حضور کارشناس و قارچ‌شناس برگزار شن.» در هر جنگلی که گشت‌وگذار کند از سیاهکل تا هزارپله با یک نگاه، قارچ‌های قاتل را شناسایی می‌کند؛ بولت شیطان، آمانیتا، مجیک‌مانثروم و لیپوتا.

میامی استان سمنان تا چاشنی متفاوتی برای غذای روزشان شود؛ غافل از اینکه چاشنی‌ای با طعم مرگ چیده است. قارچ‌های سمی در جغرافیای ایران پراکنده‌اند اما بیش‌تر در نواحی جنگلی و مرطوب شمالی و کوهستانی و کوهپایه‌ای مانند غرب کشور به سبب آب و هوای گرم و مرطوب، تراکم دارند؛ تراکم‌هایی اغلب، نزدیک به مناطق مسکونی روستایی و شهری و نیز میان بافت‌های طبیعی گردشگری که سال گذشته به واسطه همین دسترس‌سوی پذیری و البته نا آگاهی افراد، تنها در ۲ ماه اول سال ۱۴۳ نفر مسموم شدند و یک نفر هم به کام مرگ رفت.

فصل بلاگری با قارچ

این روزها، از قارچ‌ها جز اخبار مرتبط با مرگ ۴۰ عضو یک خانواده سمنانی، محتواهای دیگری نیز در شبکه‌های اجتماعی دست‌به‌دست می‌شود؛ عکس و فیلم‌هایی که در هر یک از آنها، ده‌ها قارچ رنگارنگ به سبدهای پلاستیکی یا حصیری ریخته شده و آقا یا خانم بلاگر هم از فصل قارچ‌پزان گیلانی‌ها خبر می‌دهد. دختری جوان، یکی از همین بلاگران در آخرین پست به اشتراک گذاشته، طرز تهیه بریانی قارچ را آموزش می‌دهد: «این قارچ‌ها رو به ساعت پیش، بابایز گرم از جنگل چیده. به زبون محلی بهشون می‌گیم میتا که...» پایان ویدئو، در حالی که از دیس بریانی قارچ که مقابلش گذاشته، بخار بلند می‌شود به ماجرای مرگ ۲ خواهر بر اثر خوردن قارچ سمی اشاره می‌کند و اینطور می‌گوید: «قارچ‌های سمی خیلی بلاهستن؛ اون قدری که گاهی حتی مابومیام این منطقه هم درست نمی‌تونیم تشخیصشون بدیم و ممکنه اشتباهی اون‌رو بچینیمشون...» مشابه حرف‌های او را محمد خضری، قارچ‌فروش یکی از بازار روزهای مازندران در گفت‌وگو با همشهری می‌گوید: «اگه مسافری، خودت نرو قارچ چینی...» خضری را محلی‌ها به‌دکتر قارچ می‌شناسند و او را قارچ‌شناسی تجربی و ماهر می‌دانند: «...ببین، این کلاهک و رنگش مثل قارچ میش، قارچ بومی جنگل‌های شمالی می‌مونه ولی میش نیست... خوب نگاه کن؛ با جاقو، قاج که می‌زنش، جاش ای می‌شه! این سمی‌نه...» او این روزها با مسافران زیادی که به‌دست می‌برسنش، «هن از این خوردم؛ حالم به چوره... سمی‌نه؟ نکنه بمیرم؟» مواجه است.



همیشه پای شکم در میان است

باچیدن دنبلا یا همان قارچ ترافل(گران‌قیمت‌ترین قارچ جهان)، می‌خواهند یک‌شنبه، ره صدساله را برونند؛ این گفته میثم آبکناری است که تورهای تخصصی سواحل شمالی برگزار می‌کند. او به همشهری می‌گوید: «دنبلا زاکرسی، ازرون تر از دنبلاں البرزیه، دنبلاں هیرکانی هم که نگم براتون؛ خیلی خوش‌عطره. برای همینه که قاچاقش از هیرکانی زیاده. از هر ۱۰ گردشگری که می‌یوم هیرکانی، ۵ نفر شون حالا از سر شوخی یا کنجکاوی، سراغ ترافل رو می‌گیرن.» آبکناری با جمله سرراست «همیشه پای شکم در میان است»، سعی دارد بدون تعارف حرف بزند: «به‌نظر من عامل اصلی مرگ‌ومیر با قارچ‌چای سمی فقط شکم‌دوستیته و گرته چرا باید قارچی رو که مطمئن نیستی خوراکیه، بخوری!» به باورهای غلط گردشگران ش، درباره قارچ‌های سمی اشاره می‌کند: «فکر می‌کنن که سم قارچ با یخت‌و‌بیز از بین می‌ره... با خیالشون، با یکی دو گاز قارچ خوردن طوری شون نمی‌شه و ته‌تیش، حالت تهوع و آمبوله»